

# ABSOLUTE THRESHOLD

*Flashka*



UPLOADER:

Elik

TRANSLATOR:

Pary

EDITOR:

Nava-Vina

DIRECTOR:

Lian

کاری از شیم ترجمه و ادبیت  
انجیس سکای

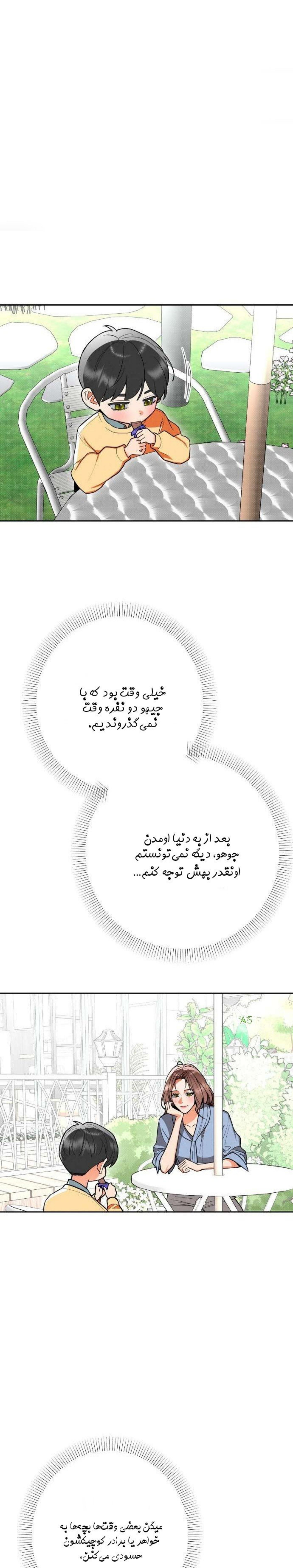


مامان، من  
شکلات می خوام.



باشه، میخرم. شکلات مورد  
علاقه‌ی جیهوي ما بنفس بود،

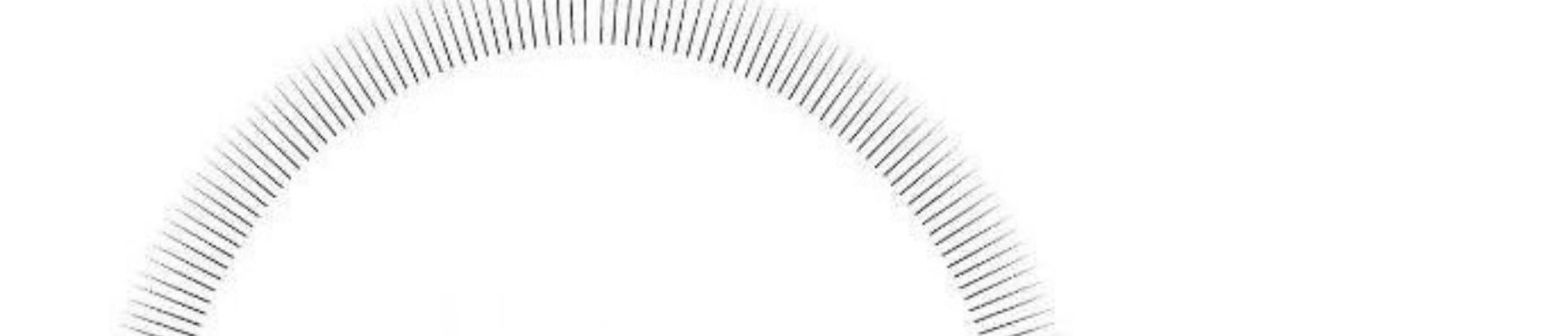
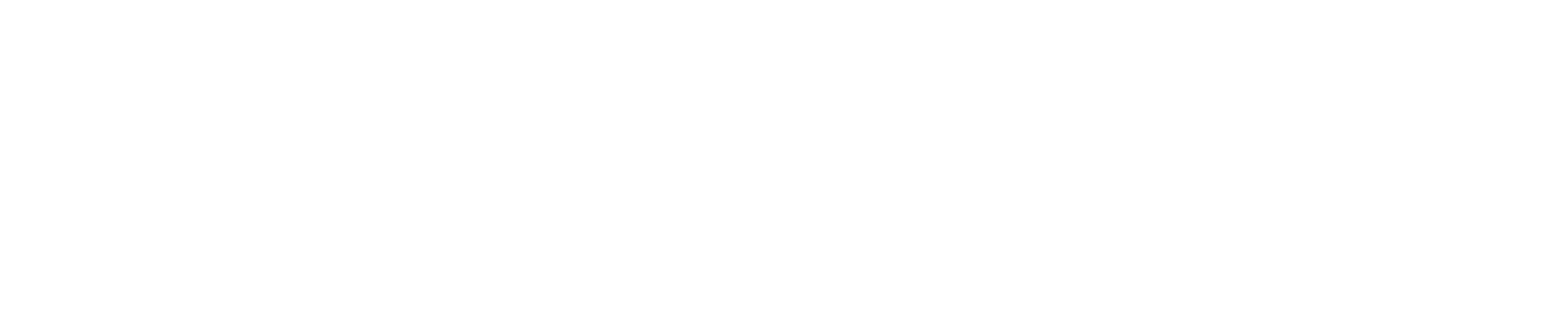
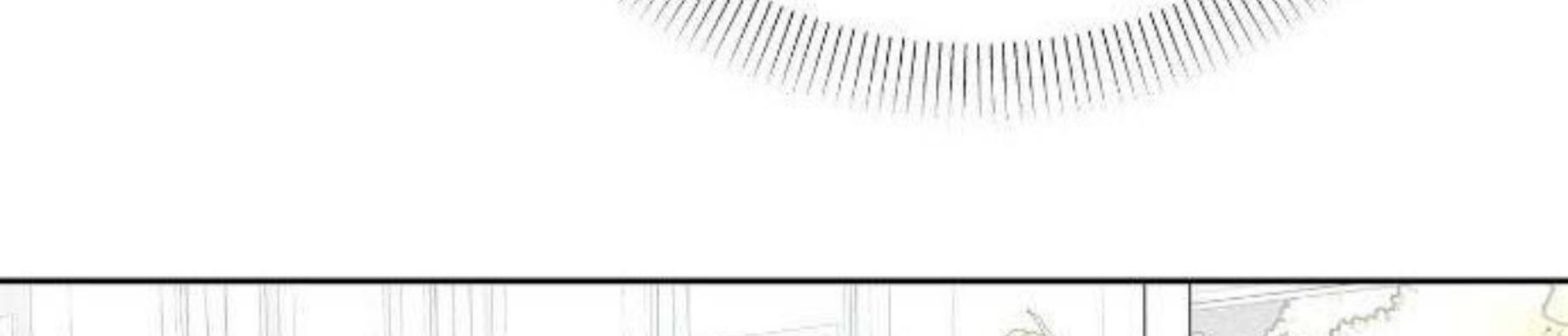
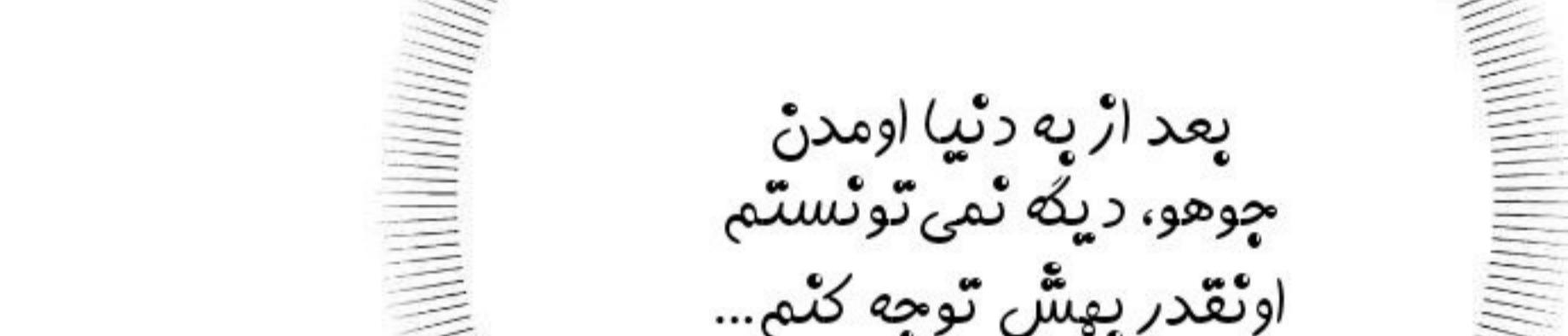
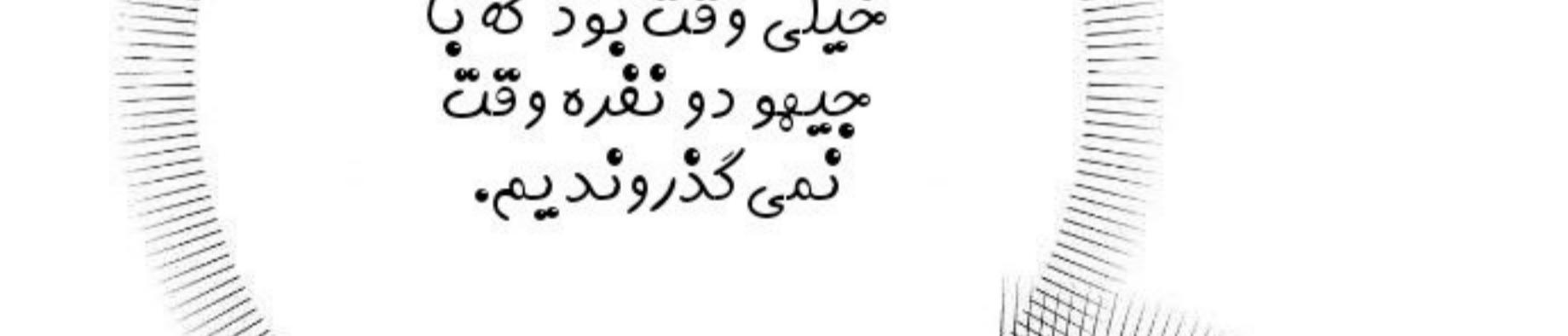
درسته؟



میگن بعضی وقت‌ها پچه‌ها به  
خواهر یا برادر کوچیکشون  
حسودی می‌کنن،

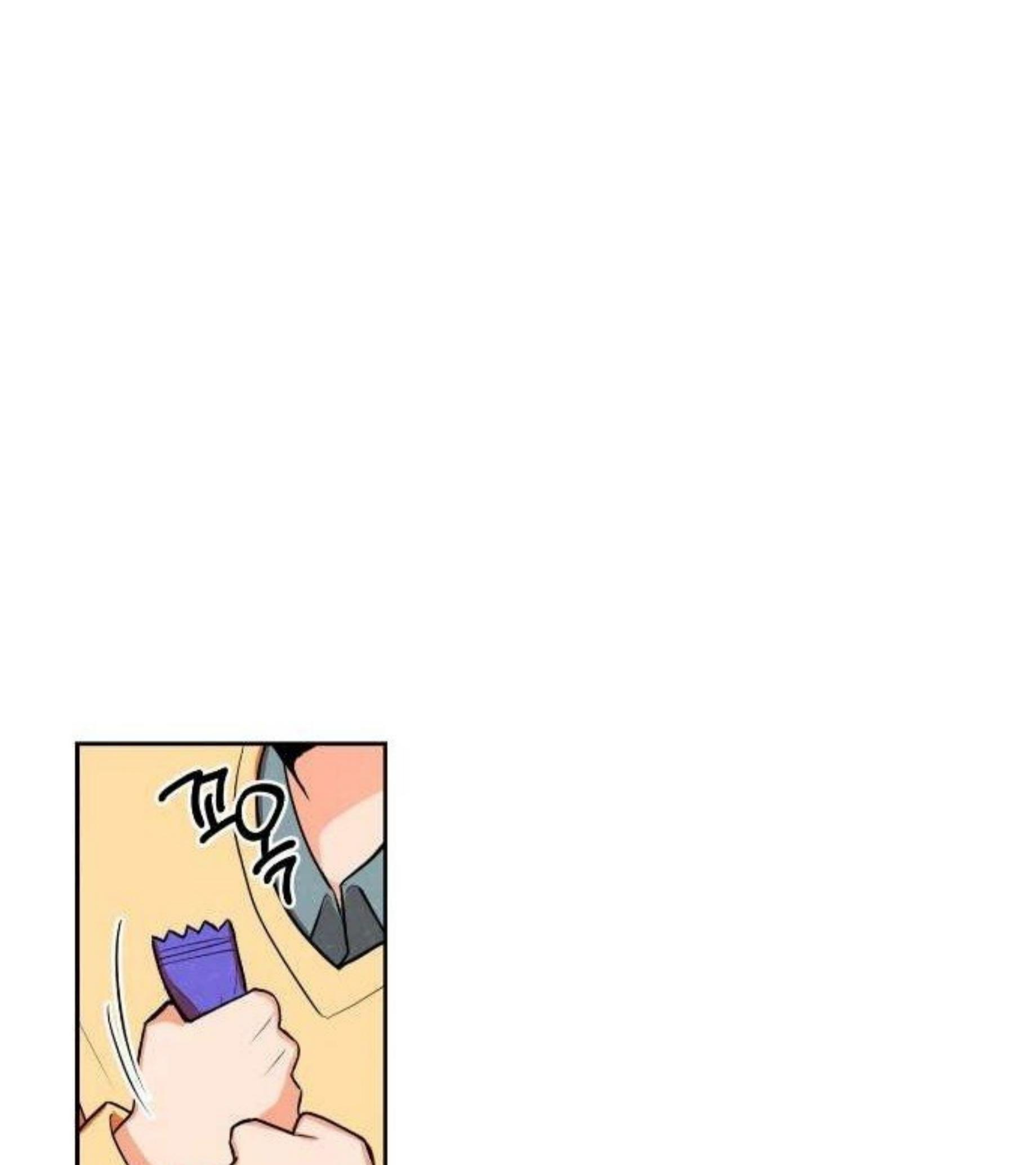
خوبی وقت بود که با  
چیهو دو نفره وقت  
نمی‌گذراندیم،

بعد از به دنیا آمدن  
چوهو، دیکه نمی‌تونستم  
اوقدر پیش توجه کنم...



پس پاید از قبل  
حواله مون باشیه چی  
(ین تقاضه نیست).

امروز مامان بزرگ  
مراقب جوهوئه، پس من  
و جیهو می تونیم با هم  
بازی کنیم ...



جیهו، شکلاتت  
خوشمزه‌ست؟

میگی خوشمزه‌ست، ولی چرا

نمی‌خوری؟ بابا گفته دندونات خراب

می‌شن؟ ولی جیهو دندوناش رو خوب

مسواک می‌زنه.

می‌خوای به بابا هم  
بدی؟ من برای بابا هم  
خریدم. جیهو می‌تونه  
همه‌اش رو بخوره.

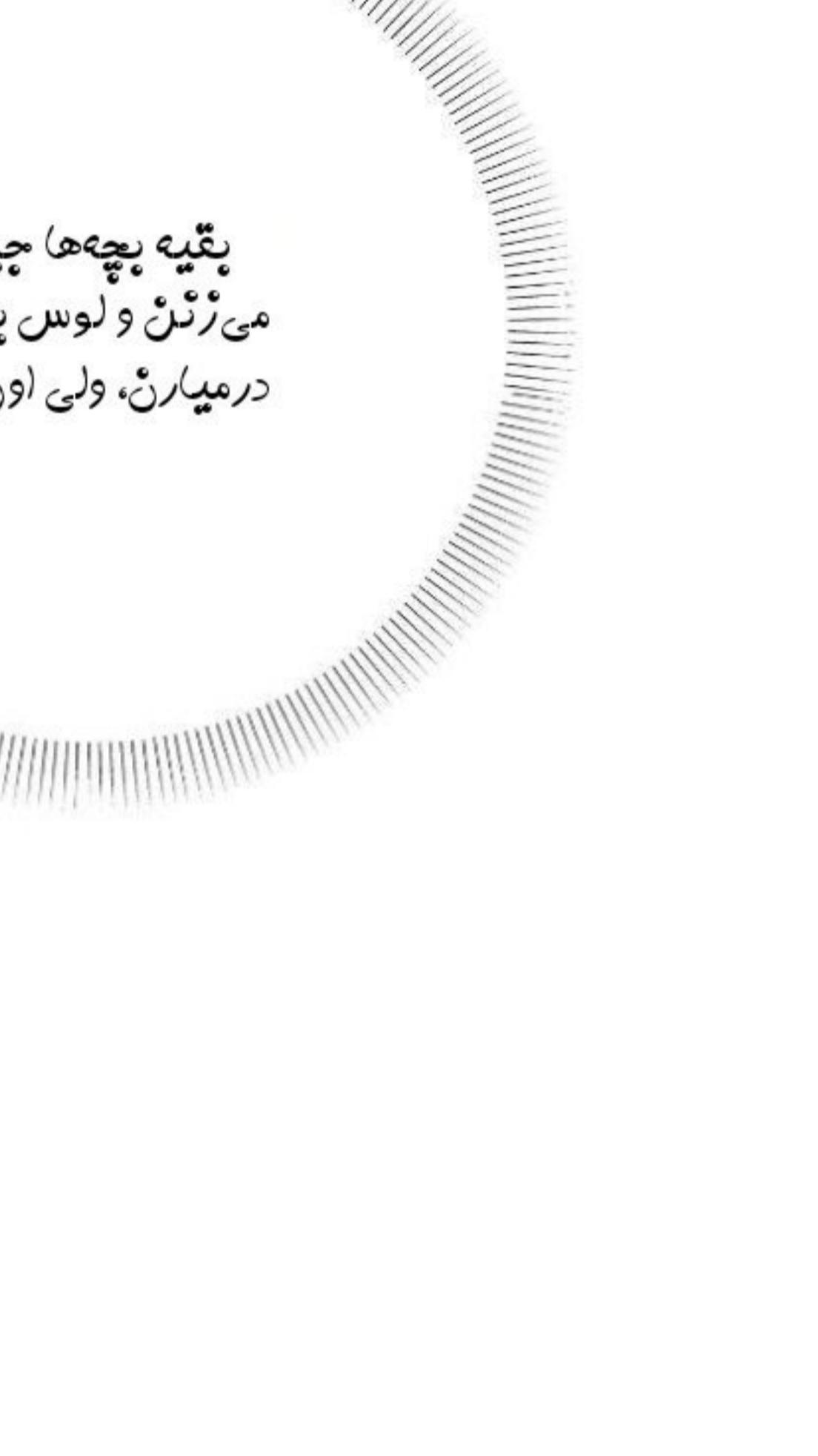


دوري

도리



اھتمالا به مخاطر اینکه  
اولین پچه ست، خیلی آروم  
و متقدره، شپیه کیه؟



بقیه پچه ها جیغ  
می زن و لوس بازی  
در میارن، ولی اون نه.

به پاپاش رقته ...



باشه، باشه. جیهو، هر  
کاری می خوای بکن.



لو، سلام.



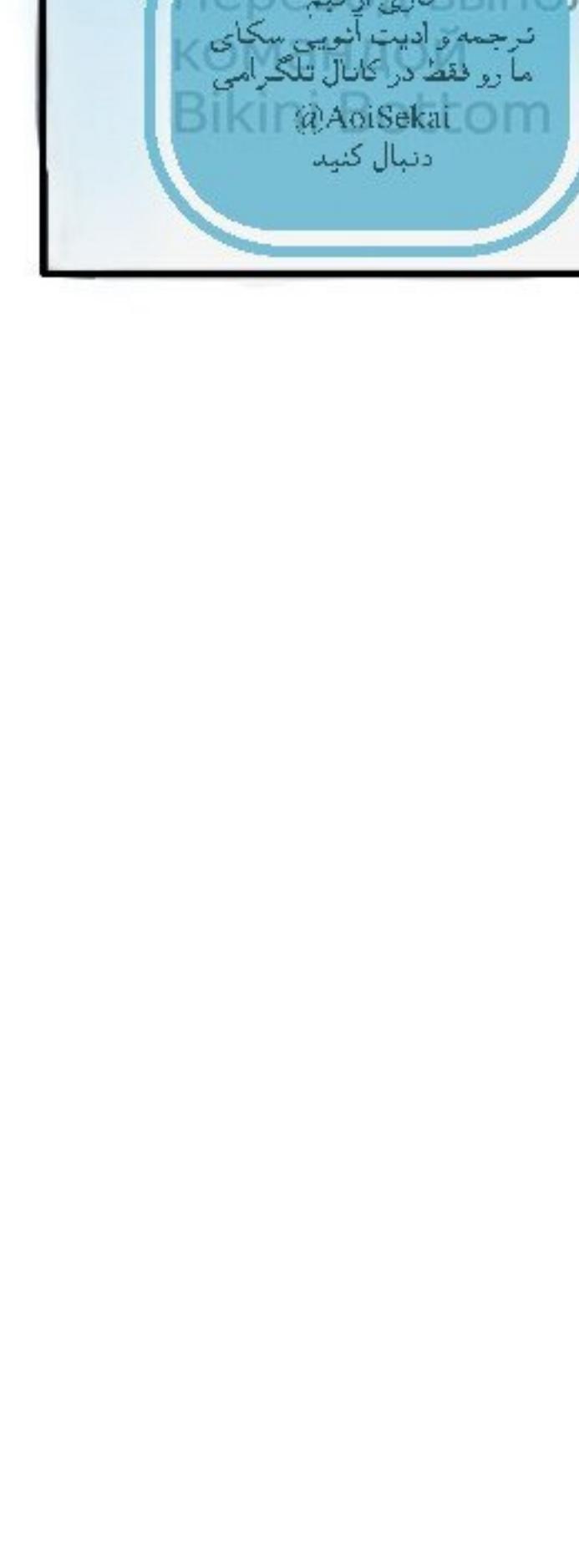
مامان؟ چیشدە؟ من و جیهو  
هنوز تو کافه هستیم ...

چی؟ جوھو؟



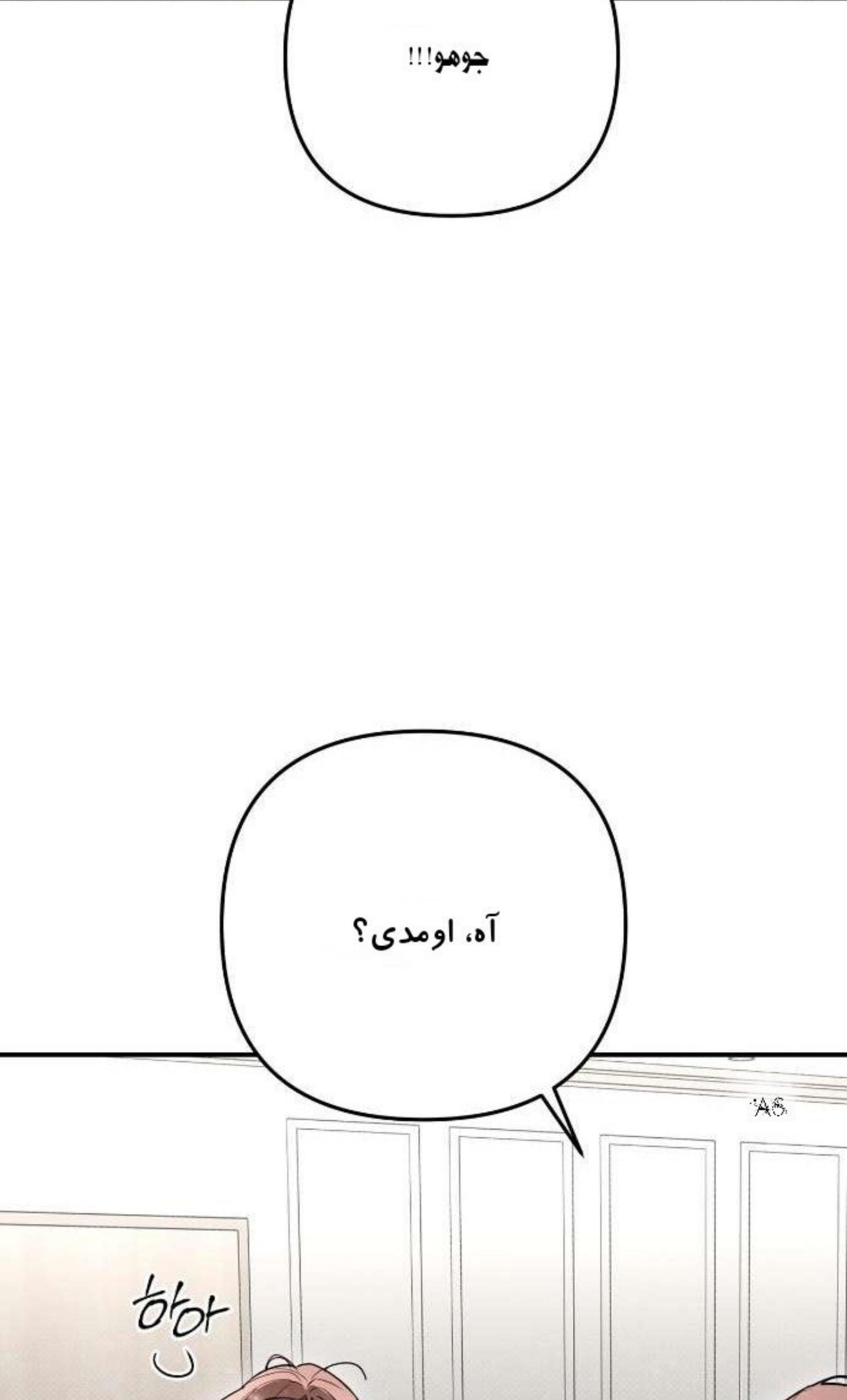
صبح که همه چیز خوب بود، چرا  
... ففعه

فهتمیدم، الا نمی‌ام.





آه، او مدى؟



آه، او مدى؟



جومو خوبه؟ چرا  
يهو تب كرد...



همه چیز خوبه، همین  
الآن خوابش برد.



شما مادرش هستین؟

بله، بله! جوهوی ما

خوبه؟



اول چند تا آزمایش انجام  
می‌دیم، همه چیز درست  
میشه، زیاد نگران نباشین.



نباید (ین کوچولو رو  
تنها می‌ذاشتیم...



نه، همه چیز درست میشه، پچه‌ها در  
حال رشدن، یعنی داشتن طبیعیه-  
هیچ چیز نگران کننده‌ای نیست.

چدا تو چنین موقعیت‌هایی، آدم  
هد چقدرم که خودش رو آماده  
کنه، بازم دلش هدی می‌ریزه؟

هي، به جانگ يون گيو  
زنگ زدين؟

بعداً می‌زنم، الان  
احتمالاً سرش شلوغه.

ولی اول باید به اون زنگ  
می‌زدين، مگه نه؟

بچه يهو تب کرد و زد  
زیر گريه، می‌دوني چقدر  
ترسیده بودم؟

جلله  
جلله



کی فکرش رو می کرد تو  
این سن من هنوز باید انقدر  
دلشوره بکشم.

خته شدم.

شما برین  
استراحت کنین.

من اینجا می مونم.



قبل از اینکه نگران من  
باشی، اول خودت رو جمع و  
جور کن.

اه، سرم داره منفجر می شه.  
حتماً کافئینم کم بوده، باید  
یه قهوه بخورم.

دزدز

آ-آ-آ...

آره، آره. مامانی  
اینجاست.

بچه ام خیلی مریضه.

کاش می شد من به  
چاوش مریض پشتم...

اوہ، جیهو  
چیشدہ؟

مامان...



اوہ، جیهو  
چیشدہ؟

مامان...

جوہو مریضہ؟



موضوع اینه  
که ...

بیمار جوهو،  
والدینش اینجان؟

آه، بله، بله. من  
اینجام.

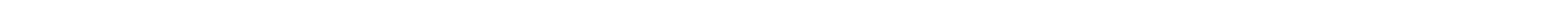
الآن می‌ریم برای  
معاینه.

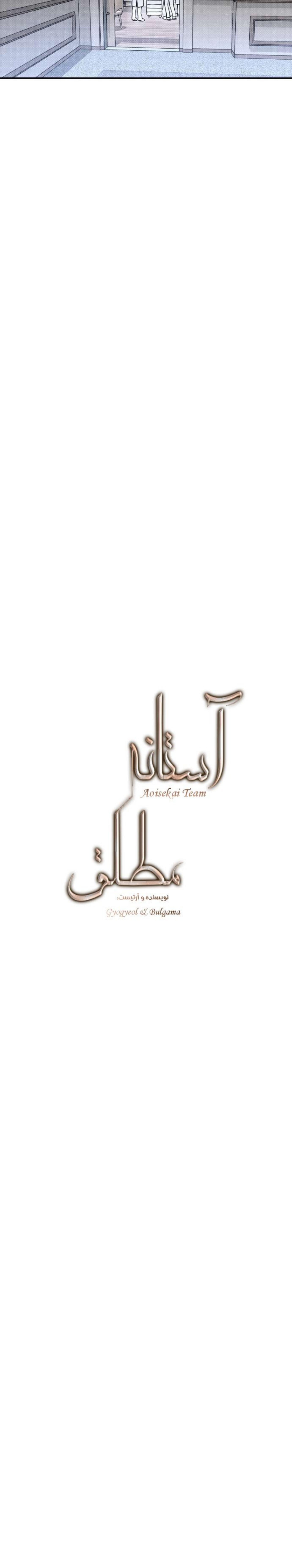
آه، باشه!

جیهو، بیخشید. ماما ن  
بعداً به حرفات گوش  
میده.

...

96kg





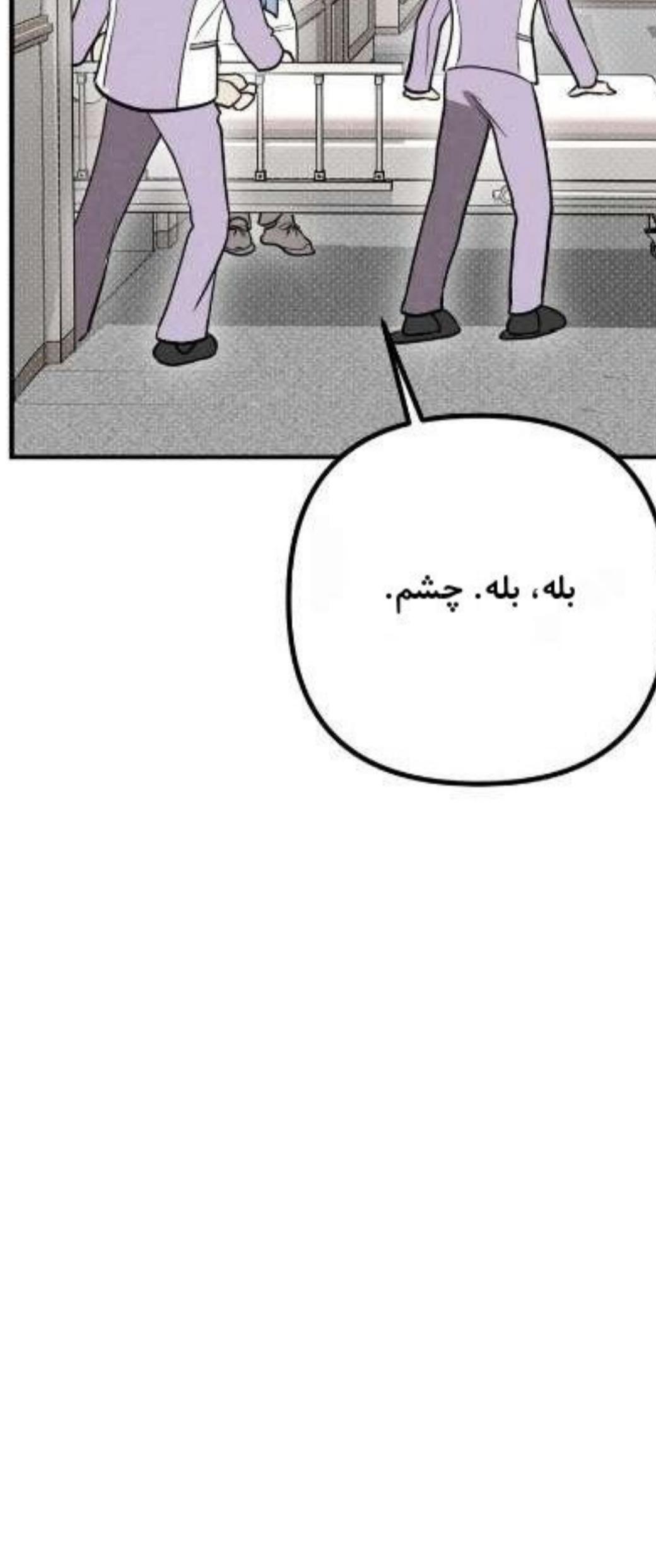
مطافی

نویسنده و آرٹیسٹ:

Gyogyeol & Bulgama

Aoisekai Team

خانم، توی بخش  
منتظر بمونین.



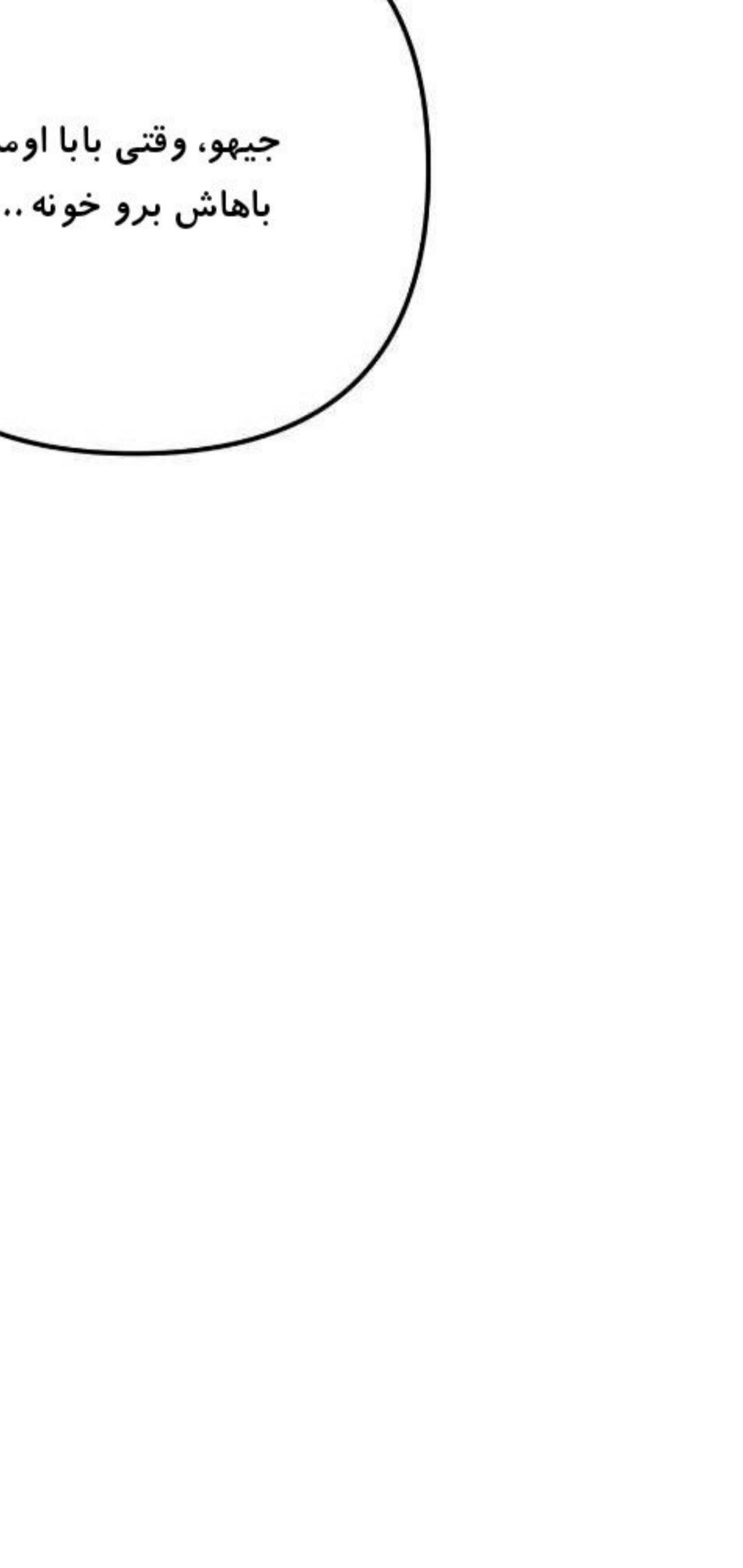
بله، بله. چشم.

حتماً همه چیز  
درست میشه...



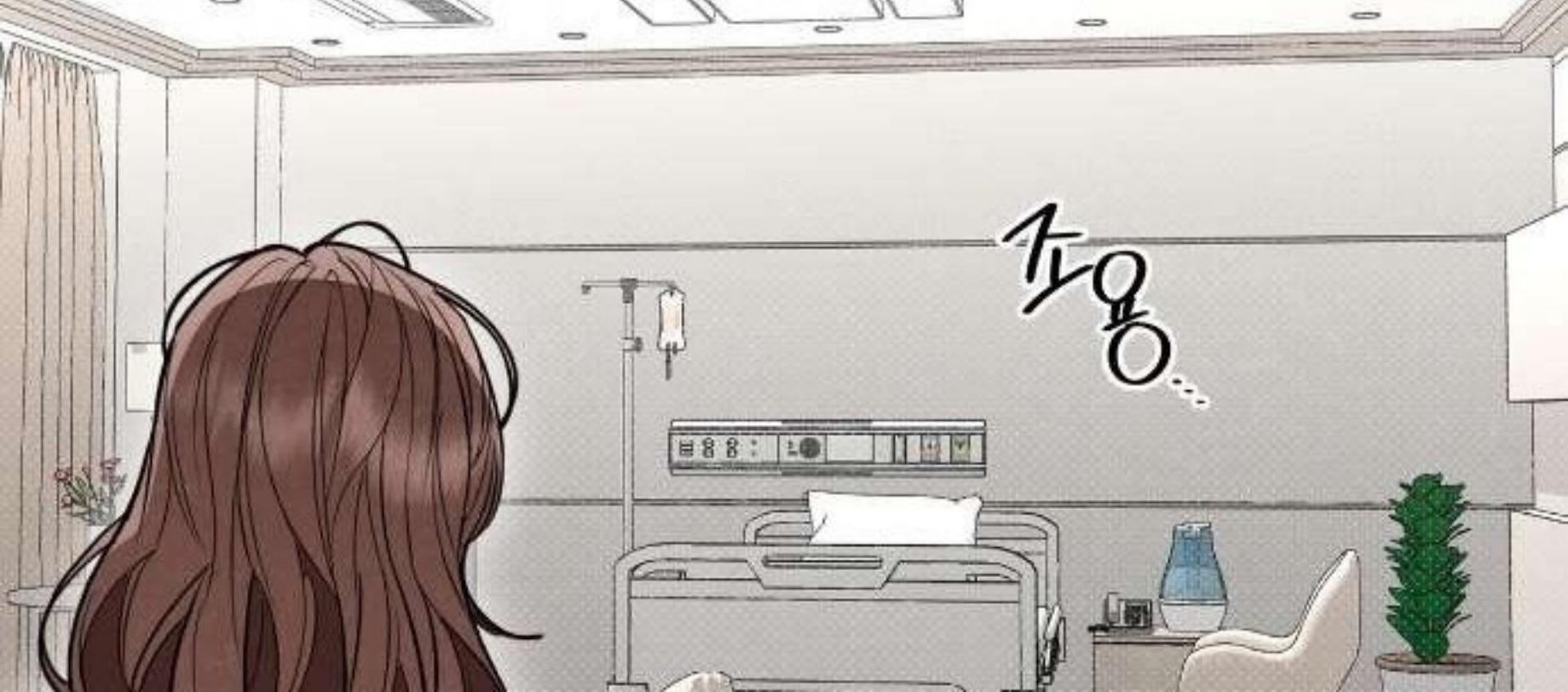
اُشکالی نداره،  
معاینه یه کم طول  
می کشه،

تا اون موقع پا یون گیو تماس  
می گیرم و ازش می خواهم مراقب  
چیهو باشه ...



چیهو، وقتی بابا او مد  
باهاش برو خونه ...

چیهو ...؟



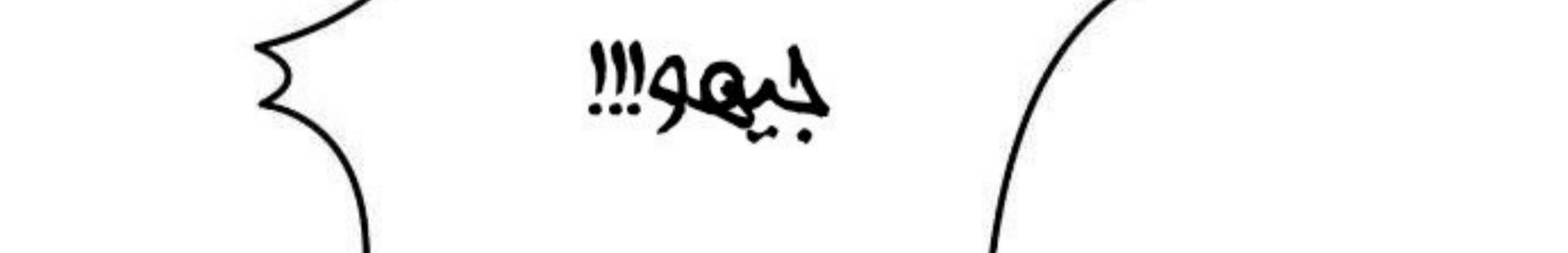


هه هوف...



کاری ای جم  
ش. حسنه رضیت آخوندی سکان  
مار، هنفده، کمال نژادی مین  
جیا گلبل

دانل کنید



اوہ، حالتون

خوبه؟



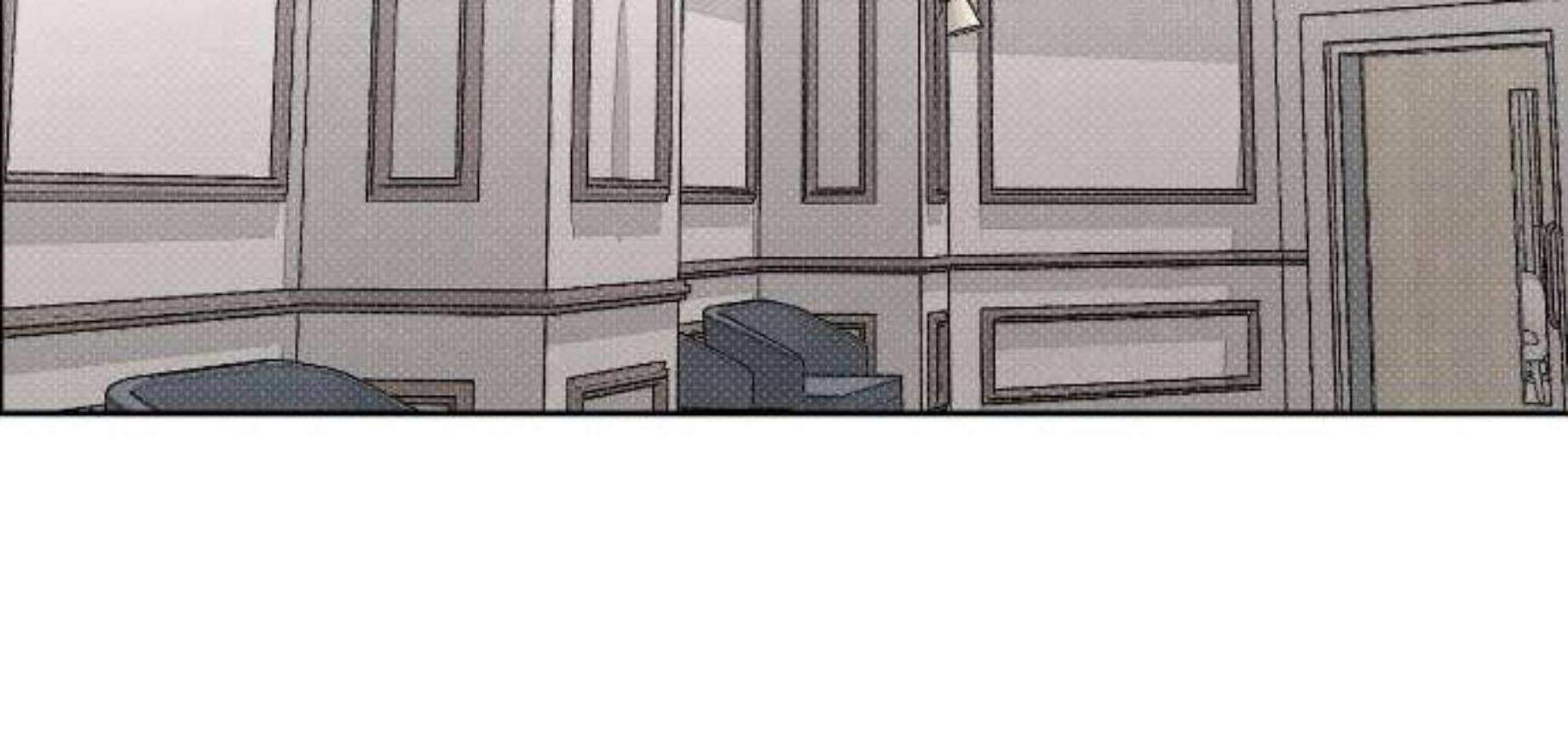
تصادفی بچه ام  
رو ندیدین؟

جیهوی من،  
جیهو...



اوھ. صبر کن!

به دکتر بگین  
سیاد اینجا!



دکتر چان، لطفاً تماس

بگیرین و بیینین الان میشه

دوربین‌های اتاق ویژه رو

چک کرد یا نه.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.

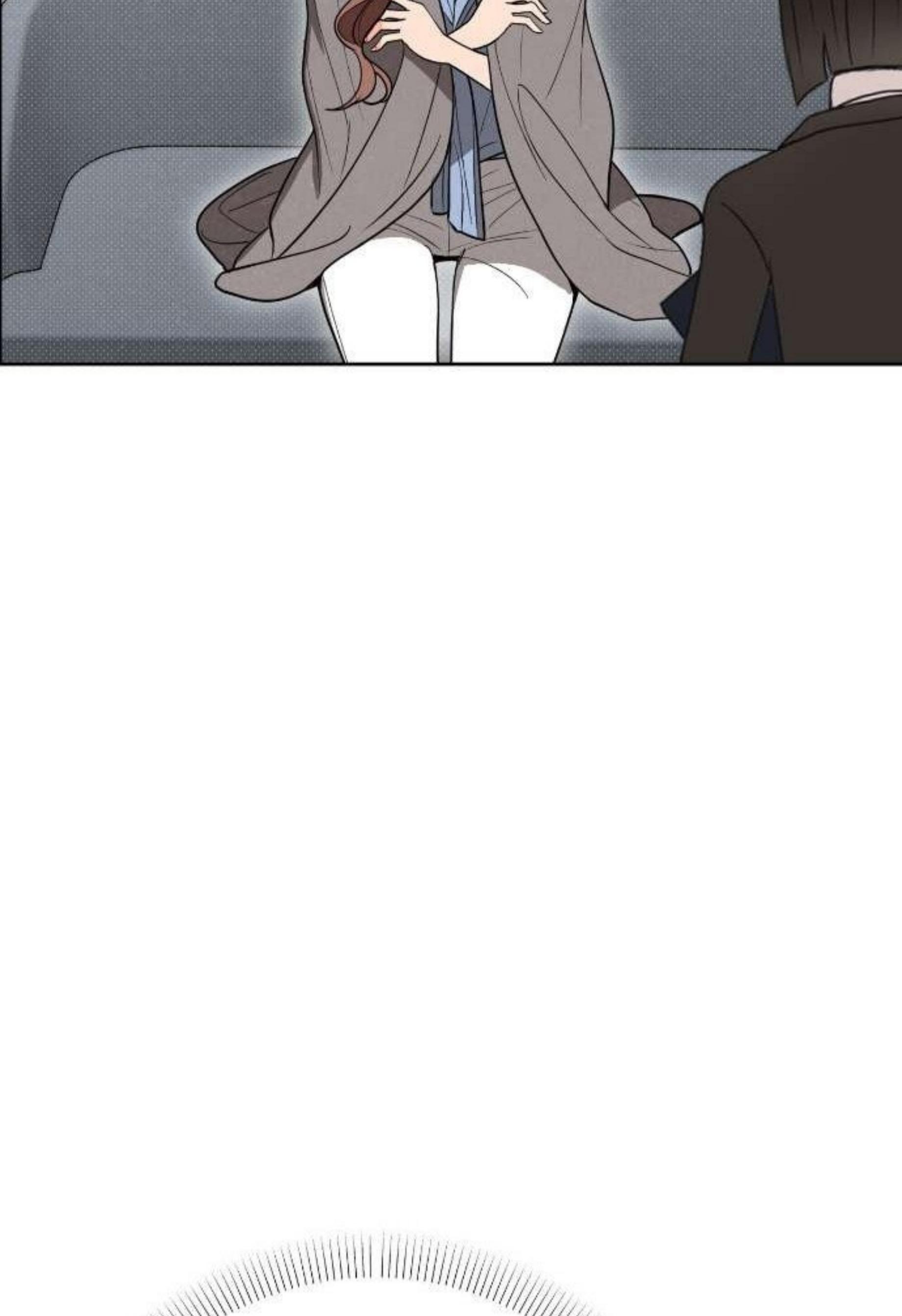
آگه یه پسر ۶ ساله از

بخش ویژه دیدین، با

ما تماس بگیرین.



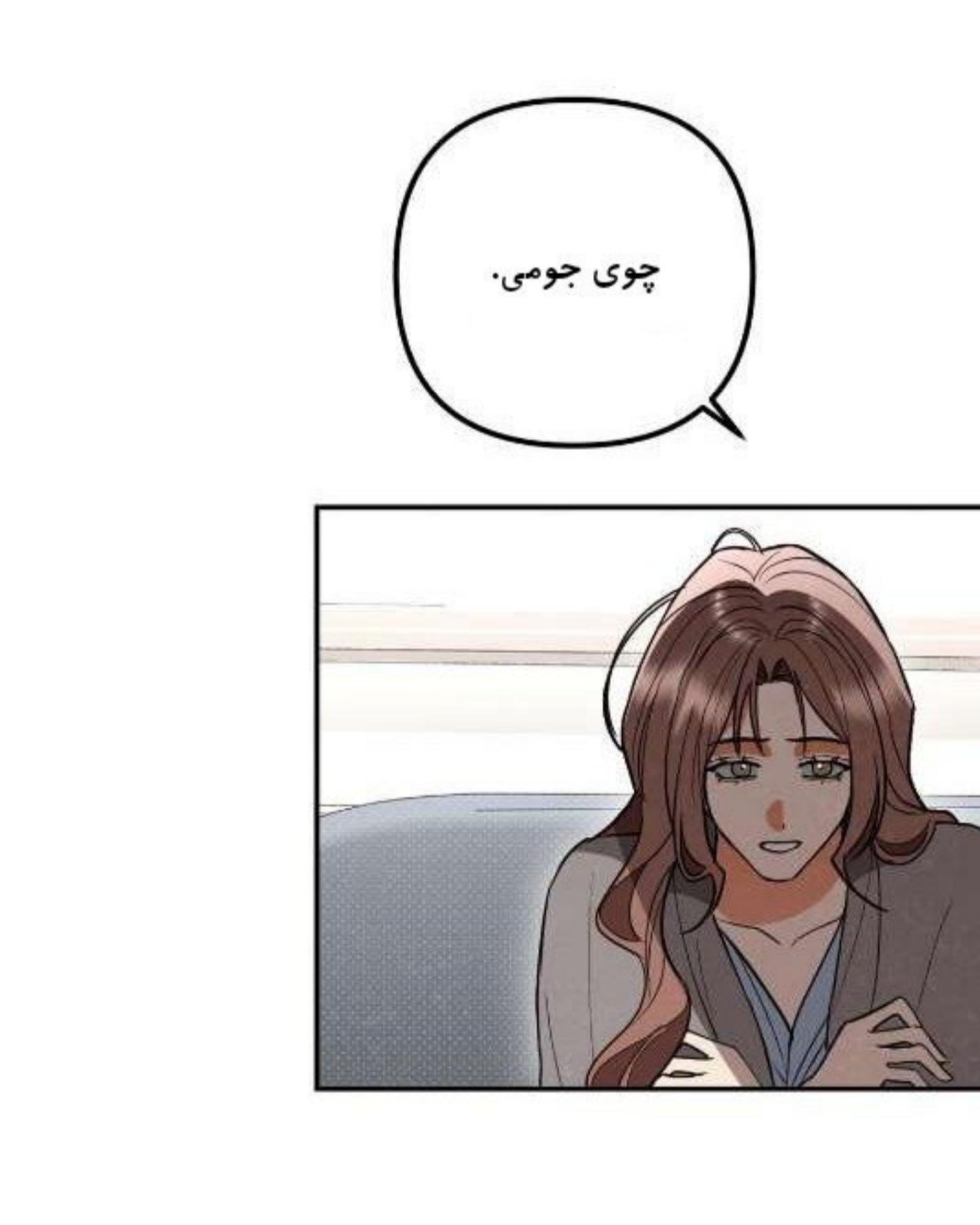
خانم، نگران  
نباشین. به زودی یه  
خبری ازش میشه.



من فقط نگران چوهو  
پودم، ولی چیهو...

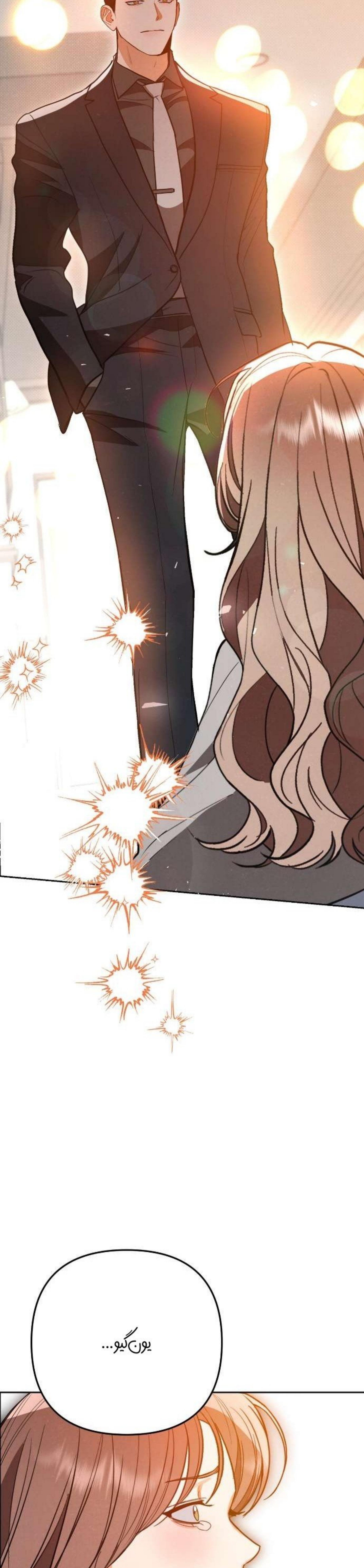


저벅



چوی جومی.





يونَّيوُ...



زن داش! کارو  
هوضی زن داش مون  
رو اذیت کرده!

رئیس بیمارستان  
کیا است؟

یون گیو، باید  
چیکار گنیم؟

ههی... جیهوی  
ما، جیهو...

چوی جومی، گریه  
نکن و دوباره بگو.  
جیهو چیشده؟

جیهو گم شده.

وقتی مراقب جوهو بودم، یه  
لحظه حواسم پرت شده و جیهو  
که تو بخش بود...



جومی، فهمیدم.

جیهولی ما رو پیدا کنین،  
اگه کوچولوی ما نباشه چی؟  
اگه نباشه... هعی.

آخه کجا می تونه رفته  
باشه؟ گریه نکن، باشه؟

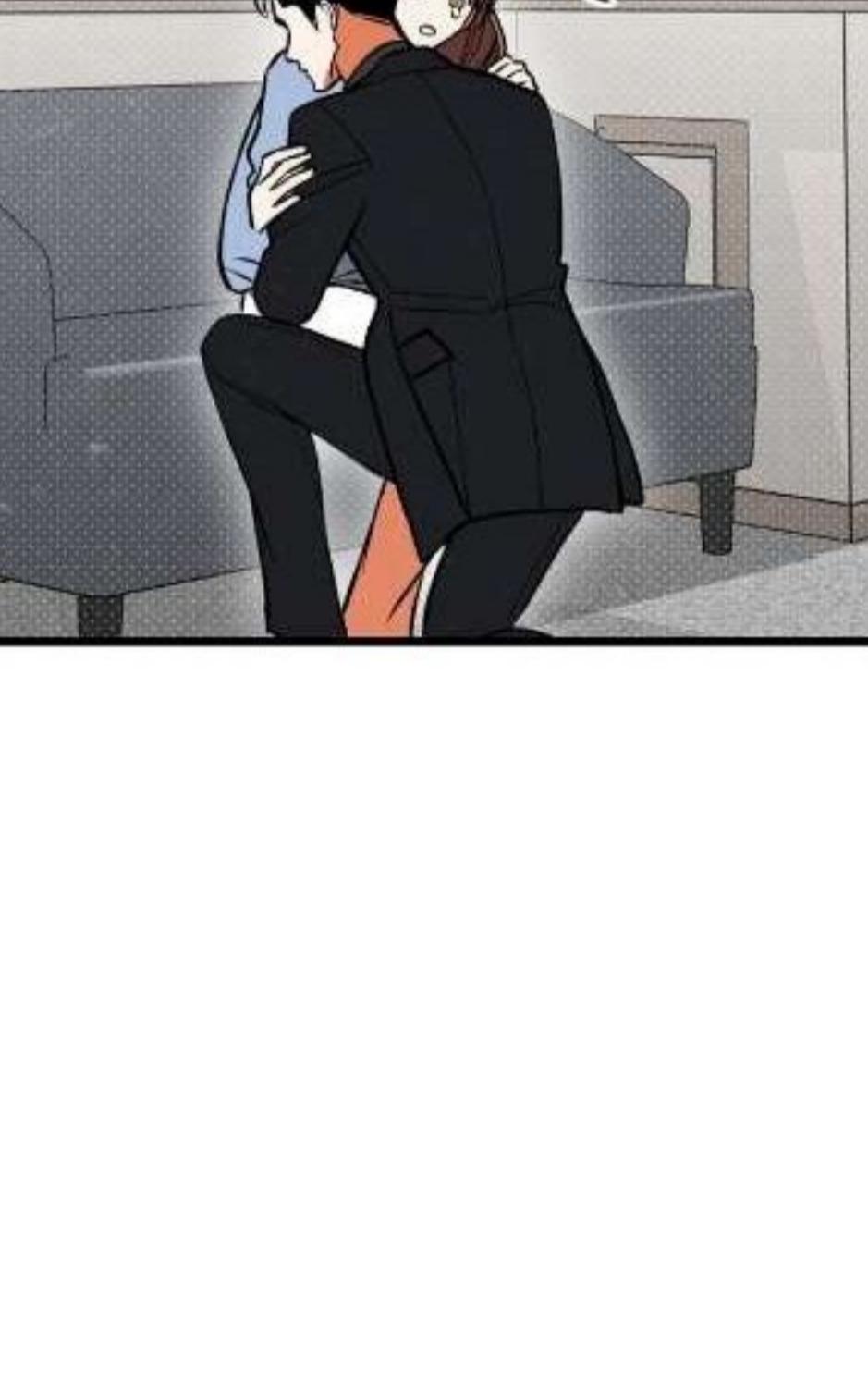


مگه بہت نگفتم گریه  
نکن، چوی جومی؟ همین  
الان بس کن.



من از بچه هامون  
مراقبت می کنم.

을찌



پیدا ش کردیم، رئیس.



ادامه دارد...

سلام

این فایلی که هم اکنون خوندید،  
توسط تیم بزرگ تلگرامی

## AoīSekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما  
و بقیه افرادی که به مانعوا  
خوندن علاقه دارن آماده  
شده.

تیم آئوی سکای فقط و  
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روییکا، سروش،  
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسانهای داخلی و  
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،  
بدونید بدون اجازه تیم ما گذاشته شده  
و این کار دزدی محسوب میشود و به  
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.  
فقط و فقط ما رو از طریق کanal تلگرامی  
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/Aoisekai)